دیدگاه/عنوان، کتاب یا مقاله

پدید آورنده : علی چاوگانی ، صفحه 46

|  |
| --- |
| چه تفاوتی می کند که در یک نهاد علمی، اطلاعات در قالب کتاب ارائه شود یا مقاله؟ امروزه در میان متصدیان امور اطلاع رسانی این سکه رایج است که بهترین ابزار برای ارائه نتایج علمی مقاله است نه کتاب؛ چرا؟ به چه دلیل فرهنگ مقاله نویسی مدح می شود و نسبت به کتاب بی مهری روا داشته می شود؟ قضیه از چه قرار است؟  در نگاه نخست کتاب و مقاله به جز حجم، تفاوت چندانی ندارند و بررسی اینکه قالب غالب دریک نهاد علمی باید مقاله باشد یا کتاب، موضوع بی اهمیت و لغوی به نظر می رسد. بعید است که بین ارائه نتایج علمی به صورت کتاب یا مقاله تفاوتی وجود داشته باشد و نیز بعید به نظر می آید که در یک سازمان علمی، تأکید خاصی وجود داشته باشد که مباحث در قالب کتاب ارائه شود یا مقاله؛ اما این چنین هست و باید دید چرا؟  عجیب تر آنکه در جامعه ای علمی چون حوزه علمیه، با وجود این همه تأکیدات بر مقاله نویسی، هنوز بیشتر مطالب در قالب کتاب منتشر می شود و هنوز اکثر مطالعات علمی که انجام می گیرد، در رجوع به کتاب است؛ نه مقاله!  تفاوت کتاب و مقاله فقط در حجم آنها نیست؛ کتاب و مقاله تفاوت هایی دارند که در امور بسیار زیاد و البته پیچیده ای ریشه دارد. سال های سال اطلاعات و تولیدات علمی در قالب کتاب ارائه می شد و کتابخانه های بشر پر بود از کتاب های متنوع در موضوعات علمی مختلف؛ اما ناگهان از یک محدوده تاریخی به بعد، همه چیز تغییر کرد، کتابخانه ها متحول شدند، ابزارهای تولید و اشاعه تغییر کرد، روش تعامل دانشمندان متفاوت شد، روش یافتن یک مطلب علمی از بین منابع مختلف اطلاعاتی دگرگون گردید و روش ارائه اطلاعات نیز از این قاعده مستثنی نبود؛ چه اتفاقی افتاد؟  شاید بتوان محور وقایع را تغییر در نگرش انسان نسبت به عالم دانست. انسان خود اتکا شد و محور تلاش علمی خود را نیز تغییر عالم قرار داد؛ نه کشف آن. او خوب فهمید که همه چیز را نمی تواند بفهمد و مجبور است که مسائل را انتخاب کند. او روز به روز جزئی تر و جزئی تر به عالم نگریست. فرهنگ تولید علم و فضای کلان جنب و جوش علمی که بر یک سری تحلیلهای جهان بینانه از یک سو و وقایع جامعه شناسانه از سوی دیگر استوار بود، در تولید ابزارهای اشاعه علوم و بازیابی اطلاعات و ارتباطات علمی مؤثر واقع شد. دراین برهه از زمان بود که زمان و مکان ارتباطات علمی، با تولید دستگاه چاپ و سپس کامپیوتر شکست و  انسان جدید می توانست در هر زمان، در هر جا و با هر کس ارتباط بر قرار کند. رویکرد جزئی به عالم و وضعیت مسئله محور که رویکرد غالب فضای علمی جدید بود، با قالب مقاله سازگارتر بود. این قالب از طرف دیگر با جست و جوی سریع و بازیابی دقیق تر اطلاعات نیز سازگارتر می نمود؛ در حالی که در فضای علمی که رویکرد اصلی عالمان، حفظ و نگهداری اطلاعات بود، کتاب کارآیی بیشتری داشت. کتاب مجموعه مسائل و قالبی بود که برای جامعیت علمی و نگاه چند بعدی مفیدتر بود. نگرش علم برای کشف عالم، با ابزاری چون کتاب سازگارتر می نمود، چرا که بنای عالم جمع آوری کشفیات علمی بود. همه چیز در یک فضای کلان با هم سازگار می شوند و این مسئله ای است که توجه به آن برای ما مهم است.  قالب مقاله برای تولیدات مسئله محور مفید است و کتاب برای تولیدات موضوع محور کار آیی بیشتری دارد. در کتاب جامعیت بیشتری وجود دارد و مقاله نماینده تخصص گرایی است. مقاله در فضایی که به سرعت تولید علم احتیاج دارد، بیشتر به کار می آید، چون سرعت تولید آن بالاتر است؛ اما کتاب در فضایی آرام که در آن به شتاب و سرعت در فضای اطلاعاتی نیازی نیست، بیشتر شکل می گیرد. کتاب در فضای آموزشی استاد محور کارآیی دارد اما مقاله در فضای پژوهش محور تناسب می یابد. هماهنگی کتاب و مقاله با یک پارادایم علمی و فضای فرهنگی اجتماعی خاص، علت رشد یکی و افول دیگری است؛ برای مثال در جامعه ای که فضای علمی استاد محور با روش ارائه شفاهی اطلاعات وجود دارد و سنت علمی ارزشمند و مورد تأکید، هنوز هم جامعیت علمی است؛ نه تخصص، قالب مقاله هیچ گاه نمی تواند رشد کند؛ نمی توان این سنت ها را نکوهش کرد. به نظر می رسد، راه چاره برخورد عالمانه با این فضا است؛ برای مثال فرهنگ کتابخوانی و فرهنگ مقاله خوانی یا مقاله نویسی را باید با توجه به فضای نگرش جامعه علمی نسبت به جامعیت و تخصص مورد ارزیابی قرار داد. آیا واقعاً تأکید بر مقاله نویسی در فضای حوزه مفید و لازم است؛ وقتی هنوز نسبت جامعیت و تخصص در این فضا شفاف نشده و جا نیفتاده است؟  آیا تأکید بی مهابا بر یک قالب و کپی برداری از یک فضای دیگر علمی، مثل فضای علوم تجربی و دانشگاهی با توجیهات ساده و بسیط از قبیل اینکه: «مقاله تخصصی تر، پس دقیق تر است» معقول و قابل پذیرش است؟ آیا اساساً مسئله اساسی در حوزه علمیه، مدیریت دانش است یا تولیدتخصصی و مسئله محور علوم؟  به نظر می رسد، بدون تبیین دقیق نگرش ما در مورد علم و عالمان، یعنی تبیین وضعیت مطلوب دانش از یک سو و شناخت شرایط و ویژگی های فضای موجود علمی از سوی دیگر، نمی توان ابزار ارائه اطلاعات و قالب های آن را بازبینی کرد. مسئله رویکرد کتاب محور یا مقاله محور نیز باید پس از بررسی این موضوعات مورد توجه قرار گیرد. |